ادامه از صفحه اول

نگاه صداوسیما به دولت روحانی

۲- در اینکه نام بریتانیا در تاریخ معاصر کشورمان، استعمار و دخالت‌های مکارانه را به ذهن متبادر می‌کند، شکی نیست. سیاست‌های تمامیت‌خواهانه این کشور علیه ممالک شرقی را دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم هم می‌توانند به‌طور مفصل توضیح دهند و نیازی به زحمت «رمزگشایی» رسانه عمومی از آن نیست. مشکل اساسی، خلط مبحث موضوعات تخصصی و چارچوب‌مند دیپلماسی با باورهای سطحی و شعارگونه در این حوزه است. ایران امروز به‌ویژه پس از دستیابی به موفقیتی تحسین‌برانگیز در مذاکرات با شش کشور قدرتمند جهان و تبدیل‌شدن به جزیره ثبات در منطقه آشوب‌زده ژئواستراتژیک خاورمیانه، بی‌تردید توانایی حداکثری‌کردن منافع ملی خود را در همه زمینه‌ها دارد. حتما دستگاه‌های مسئول اطلاعاتی و امنیتی کشور در بخش‌های اطلاعات خارجی و ضدجاسوسی، هرگونه اقدام مشکوک را به خوبی رصد می‌کنند. مشخص نیست با وجود اثبات روش اشتباه دولت گذشته در تبدیل‌شدن ایران به کارت بازی چین و روسیه در سطح جهانی که شاهد آن، امضای این دو کشور زیر قطع‌نامه‌های محدودکننده شورای حکام آژانس هسته‌ای و البته شورای امنیت، خلف وعده پیاپی روسیه در راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر و تحویل سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ است، چرا تلاش ظریف و دولت روحانی برای دفاع هوشمندانه از منافع ملی باید قربانی «مصرف داخلی» مواضع جریان تندرو برای نشان‌دادن مقاومت مقابل دولت یازدهم به هر قیمتی شود؟ مدتی قبل خبرنگار صداوسیما در لندن، گزارشی از وضعیت نابسامان کنسولی ایرانیان در انگلیس به آدرس تهران فرستاد و روی آنتن رفت؛ چه اینکه سفارت کشورها، اقدامات کنسولی را برای اتباع کشورمان تسهیل می‌کنند و این کارکرد اصلی آنهاست. جریان تندرو در شرایطی به روابط ایران و اروپا می‌تازد که گویی کشورهایی که در «لباس دوست»، همواره با سیاست یک‌بام‌ودوهوا با ایران مواجه شده‌اند و از ره‌آورد استفاده‌نکردن کشورمان از همه ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی خود، سود سرشاری به خزانه کاخ‌های گرم خود در آب‌وهوای سرد پایتخت‌شان سرازیر کرده‌اند، در سفارتخانه‌های خود در تهران، منافع ملی ما را دنبال می‌کنند، نه منافع خودشان را!

۳-ورود به یک سفارتخانه در خاک کشور میزبان، راهبرد اعتراضی مناسبی نسبت به سیاست‌های غیراصولی کشور خارجی نیست. احضار و اخراج سفیر و حتی اعلام قطع روابط دیپلماتیک، راهی است که در مجامع جهانی نیز امری مسبوق‌به‌سابقه به شمار می‌رود؛ پس از حمله به سفارت بریتانیا در تهران، سایت «شبکه ایران»، به‌عنوان یکی از ارگان‌های دولت احمدی‌نژاد، نوشت: «آیا ورود دانشجویان به سفارت انگلیس کار صحیحی بود؟ آیا دانشجویان توانستند انتقام صد سال دشمنی را از روباه پیر بگیرند؟ مهم‌تر از همه آیا دانشجویان در ماجرای تسخیر سفارت، در زمین انگلیس بازی کردند یا انقلاب اسلامی؟» عبدالرضا داوری، چهره رسانه‌ای دولت وقت، در همان گزارش و در پاسخ به چرایی آن نوشته بود: «باید به موضوع اشغال سفارت انگلیس در سال گذشته با دیده تردید نگاه کرد. من شباهتی عجیب بین این اقدام و اشغال منزل «سدان»، نماینده شرکت نفت انگلیس، در زمان نهضت ملی‌شدن نفت می‌بینم. خانه آقای «سدان» در تهران با یک روش بسیار پیچیده اشغال شد. بعدها مشخص شد این اقدام با تحریک امیرحسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس، انجام شده است...؛ البته سال گذشته برخی از جوانانی که در اشغال سفارت انگلیس حضور داشتند با نیت خالص رفتند، ولی معتقدم برخی جریان‌های مرموز یک سناریوی طراحی‌شده را با هدف ضربه‌زدن به دولت آماده کرده بودند که خوشبختانه با درایت رهبر معظم انقلاب به هدف خود دست نیافتند». حجت‌الاسلام مهدی طائب هم در یکی از جلسات پرسش و پاسخ درباره این رویداد گفت: «کار غلطی بود. بچه‌های ما هم طراح نبودند. نباید عملیات می‌کردند، به طریقی بازی خوردند و آن کسانی که صحنه گردان بودند هم وقتی صحنه را ایجاد کردند، دیگر رؤیت نشدند. انگلستان درون سفارت هیچ مدرکی هم نداشت وقتی مدارکی که گذاشته بود آنالیز شد، دیدند فقط برای ایجاد دعوا گذاشته شده است». بااین‌همه تا مدت‌ها، سیل پیام‌های تبریک و حمایت فعالان سیاسی اصولگرا خطاب به حمله‌کنندگان به سفارت، در حال روانه‌شدن بود.

۴- شرایط امروز این رسانه به جایی رسیده که جلسه محرمانه سیدعباس عراقچی با مدیران خبر این رسانه، سر از سایت سازمان درمی‌آورد و فشار مضاعفی بر دولت و مذاکره‌کنندگان وارد می‌شود. نوع پردازش اخبار سیاسی، موضوع جهانی‌شده مذاکرات هسته‌ای و انواع مستندهای یک‌سویه و تخریبی هم که نیازی به توضیح بیشتر ندارد.

ادامه در صفحه ۱۸

زنگ خطر ستاریان درباره جبران عقب‌ماندگی قیمت‌ها با خروج از رکود

فنر قیمتی مسکن بسیار فشرده شده

خریداران مسکن منتظرند قیمت‌ها به کف برسد

عکس: حکیمی‌فرد، جماران

احمد میرخدایی: خانه، یک نیاز و یک آرزو. در کشور ما گویی مسکن چیز عجیب‌وغریبی است. در این چند دهه اخیر دوره‌ای نبوده که این نیاز انسانی تبدیل شده به آرزو و حاشیه نداشته باشد. همیشه یکی از دغدغه‌های بزرگ حاکمیت و دولت بخش مسکن بوده، اما تقریبا هیچ‌گاه علاجی برای نابسامانی‌های آن نشده است؛ گاهی شاهد رکود بوده، اما پس از آن، چنان جهش قیمتی داشته که داغ خود را به دل خیلی‌ها گذاشته است. تعداد محدودی خانه داریم در برابر انبوهی تقاضا که اخیرا توان خرید هم ندارند. تولید مسکن به هر دلیلی کم است، اما اکثریت این تولیدات هم چون روی هوا خریده می‌شوند، زیاد کم و کسری دارند و همین باعث شده بیشتر ساختمان‌های کشور پیر و فرسوده باشند. این آشفته‌بازار نه با سروصدا و شعارهای مهربانانه مسکن‌سازی مهر بسامان شد، نه با رکود سنگین و سهمناک یکی، دو سال اخیر. چیزی که بود، هنوز پابرجاست: خانه کم، اما بی‌خانه زیاد است. این یک طرف ماجراست. طرف دیگر این صنعت، همهمه سازندگان و فعالان این بخش است. از پزشک و مهندس و ورزشکار تا سیاست‌مدار، بازرگان، کشاورز و دامدار در این بخش فعالیت می‌کنند. به نظر شما کیفیت ساخت‌وساز پزشکان بیشتر به دل می‌نشیند یا دامداران؟ این کوچک‌ترین سؤالی است که می‌تواند مطرح شود. درباره موضوع مسکن با بیت‌اله ستاریان، عضو هیأت علمی رشته معماری دانشگاه تهران، کارشناس و انبوه‌ساز مسکن، به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

آقای ستاریان، متولی بخش مسکن در کشور ما کیست و چرا همه در این حوزه مشغول ساخت‌وساز هستند؛ پزشکان، ورزشکاران، مشاوران املاک و بسیاری دیگر؟

در بخش ساختمان اقشار مختلفی فعالیت می‌کنند. این بخش سرمایه‌پذیری بالایی دارد و بازدهی و سوددهی خوبی نیز در آن هست، به همین دلیل از صنف پزشکان و مهندسان و ورزشکاران گرفته تا سیاسیون و بازرگانان و قشرهای مختلف دیگر، مانند کشاورزان و دامداران در این بخش فعالیت می‌کنند. این اتفاقی است که سال‌های سال است دارد می‌افتد. گاهی از یک زاویه انتقادی به قضیه نگاه می‌شود و می‌گویند چرا فلان قشر در بخش ساختمان فعالیت می‌کند. این سؤال درست است، اما واقعا چرا یک پزشک که در بخش خود می‌تواند خیلی فعال باشد، ترجیح می‌دهد در بخش ساختمان فعالیت کند. این ایراد از پزشکی و پزشکان ماست یا موضوع دیگری است؟ اغلب می‌گویند پزشک، ورزشکار، تاجر، کشاورز و دامدار حق و صلاحیت ندارند در بخش مسکن فعالیت کنند و باید مهندسان فعالیت کنند! سؤال این است که چرا این اتفاق می‌افتد؟ اینکه بگوییم نباید فعالیت کنند فایده‌ای ندارد؛ باید دلیل را پیدا کنیم. اینکه از پزشک تا دامدار ما ساختمان‌ساز هستند، مطمئنا دلیلش تفاوت مردم ما با مردم دنیا نیست. آیا در پزشکی و دامداری کار نیست که وارد بخش ساختمان شده‌اند؟ یکی از دلایل این است که در قیاس این حرفه‌ها با ساختمان چنین بازدهی‌ای وجود ندارد. مسکن سیاه‌چاله اقتصاد ماست. در واقع تمام اقتصاد ما و همه برنامه‌های دولت را می‌بلعد و ابتر می‌کند. دولت وقت می‌خواهد کشاورزی را توسعه بدهد، اما به محض اینکه تسهیلات و سرمایه‌ای را به این بحث اختصاص می‌دهد، این پول به شیوه‌های مختلف وارد بازار مسکن می‌شود. درباره صنعت نیز همین اتفاق می‌افتد. وقتی می‌خواهد به تولیدکننده تسهیلات و منابعی بدهد، این منابع غیرمستقیم سر از ساختمان درمی‌آورد. یکی از دلایل این است که در صنعت و کشاورزی ما سود و بازده کم است، اما بخش ساختمان پتانسیل زیادی دارد و این سرمایه‌ها را جذب می‌کند.

پس با این حساب، حالا که بازار مسکن دچار رکود سنگین شده، این مسئله باید برطرف شود.

آیا این سازندگان همه‌فن‌حریف از این حوزه خارج شده‌اند؟

بارها دیده‌ایم که همیشه وضعیت مسکن با یک یا دو سال قبل مقایسه می‌شود. مسکن یک کلیت است و باید در یک دوره بلندمدت بررسی شود؛ مثلا باید در یک بازه ۶۰ ساله و سه دوره ۲۰ساله وضعیت مسکن ارزیابی شود که به کجا رسیده است. مسکن یک برنامه کاملا درازمدت است و برخلاف آنچه شاهد آن هستیم، نمی‌توان آن را در یک مدت کوتاه یک‌ساله و دوساله بررسی کرد. علت اینکه همه در بخش مسکن سرمایه‌گذاری می‌کنند و سرمایه وارد تولید و صنعت نمی‌شود این است که نیمی از اقتصاد ما ساختمان است و نیم دیگر صنعت نفت و استخراج معادن که مختص دولت بوده و راه ورود به آن برای سرمایه بخش خصوصی بسته شده است. همه قشرها دارایی خود را به بخش ساختمان که عملا سرمایه خارجی نیز وارد آن نشده، منتقل می‌کنند و در بلندمدت هم به سود بسیار بالایی می‌رسند؛ چراکه اگر این بازار گرفتار رکود هم شود سرمایه از بین نمی‌رود، فاسد هم نمی‌شود و بعد از دوران رکود، آن‌قدر افزایش قیمت پیدا می‌کند که هم جبران سال‌های گذشته را بکند و هم سود هنگفتی نصیب مالک شود. برای همین است که مسکن حکم و جایگاه کالای سرمایه‌ای را پیدا کرده است. باید قبول کنیم مسکن در ایران، کالای سرمایه‌ای است و نمی‌شود آن را از این وضعیت خارج کرد، مگر اینکه پتانسیل موجود در مسکن از بین برود. مسکن یک معضل دارد. باید این معضل از بین برود تا حالت عادی شود. معضل عمده هم نیاز و تقاضای انبوهی است که بی‌پاسخ مانده است.

وقتی توان خرید متقاضی حریف قیمت‌های فعلی هم نمی‌شود، پتانسیل مسکن تا کجا می‌تواند باعث رشد قیمت‌ها شود؟

کمی بحث را باز می‌کنم. در شرایط فعلی مسکن در رکود است، اما مردم، دستمزد هشت تا ۱۲ ساعت از کار روزانه خود را به مسکن اختصاص می‌دهند. شاید این درصد در شهرهای کوچک یا روستاها به ۳۰ تا ۴۰ درصد حقوق روزانه برسد اما در شهرهای بزرگ این مبلغ گاه به بالای صددرصد رسیده است و عمدتا تا دهک‌های میانی جامعه ما درگیر معضل مسکن شده‌اند. اگر به دوره ۲۵ ساله مسکن نگاه کنیم، رشد مسکن نسبت به شاخص میانی کالاها، قریب به دوونیم برابر است. این وحشتناک و خطرناک است. مسکن را باید این‌گونه دید نه اینکه مسئولان بیایند سخنرانی کنند و بگویند امسال مسکن کنترل شد و اتفاقی در آن نیفتاد. وقتی کل اقتصاد در رکود باشد مسکن هم از این قضیه مستثنا نیست. در شرایطی که معضل اصلی کمبود مسکن پابرجاست، اگر دو سال قیمت مسکن بالا نرود یا حتی پایین بیاید معنایش کنترل نیست.

منظور شما این است که معطلی دوساله مسکن در دوره رکود، در افزایش قیمت بعدی جبران می‌شود؟

مسکن به دلیل نبود تعادل بین تولید و نیاز مشکل دارد و متأسفانه مجموعه‌ای از کارشناسان، تحلیل‌هایی به مسئولان می‌دهند که خواب آنها را سنگین‌تر می‌کند. گویا عمدا این کار را می‌کنند. نشانه‌گیری این حرف، بیشتر به سمت کارشناسان است تا مسئولان. در این ۲۰، ۳۰ سال من کارشناسانی را دیده‌ام که به‌جای اعلام خطرکردن، تقدیر کرده‌اند. چندی‌پیش تحلیلی دیدم که دوستان گفته بودند: مسکن مهر همه چیز را حل کرد. پارسال و امسال را ببینید، قیمت افزایش پیدا نکرده است. متأسفانه مسئول هم باد به غبغب می‌اندازد و می‌گوید: من یکی، دو سال است آمده‌ام، مسکن کنترل شده و تغییری نکرده است. این کارشناس غرض دارد! کارشناس باید بگوید این دو سال رکود بود و کل اقتصاد مملکت خوابیده است.

در آخرین جهش قیمتی مسکن که دو، سه سال پیش رخ داد هم این‌گونه غرض‌ورزی‌های کارشناسی را شاهد بودیم؟

بله. در این مواقع مسکن مثل فنر فشرده می‌شود. سال ۹۰ تحلیل کردند که در سال‌های ۸۹ و ۹۰ در مسکن افزایش قیمت نداشتیم و پس از آن هم جشن سراسری سربه‌سری مسکن و خانوار گرفتند. برآوردهایی داده شد که آمار خانوار به مسکن، ۱/۰۵ است. این بهترین آماری است که در یک کشور توسعه‌یافته می‌توان پیدا کرد. با این آمار باید بگوییم اجاره مسکنی که الان دو میلیون تومان است، باید حدود ۳۰۰ هزار تومان باشد؛ یعنی ۲۵ درصد حقوق یک شاغل صرف هزینه مسکن و اجاره‌نشینی شود. این حرف‌ها را زدند و بعد در سال ۹۱ یک‌مرتبه ۱۴۵ درصد افزایش قیمت مسکن را تجربه کردیم. این اتفاق همه‌ساله و در همه دوره‌ها می‌افتد. مجموعه کارشناسان، به‌جای اینکه به مسئولان اخطار بدهند و آنها را نسبت به خطرات آینده و آتی آگاه کنند، به‌راحتی می‌آیند صورت مسئله را پاک می‌کنند؛ یا در یک روند سیاسی قرار می‌گیرند و می‌خواهند تبلیغ کنند یا واقعا قصد و غرضی در کار است. چرا به‌جای اینکه یک کارشناس بیاید و دوره ۳۰ ساله مسکن را تحلیل کند و به مسئولان بفهماند که فرداها چه اتفاقی می‌افتد، دست روی دست می‌گذارد و به‌به و چهچه می‌کند!

> **مسکن، با تفکر اقتصاد کلان ما درگیر است. مسکن مقوله‌ای نیست که اگر دولت درآمد نداشته باشد و تولید نشود، مردم هم از آن استفاده نکنند. وقتی به بیش از یک میلیون واحد مسکونی در سال نیاز است باید در کل اقتصاد بازنگری شود. تیم‌های اقتصادی دولت‌ها نسبت به مقوله مسکن ضعیف هستند و اطلاعات لازم را ندارند. اصلا بخشی با عنوان اقتصاد مسکن در وزارت اقتصاد و دارایی نیست. بانک مرکزی به‌شدت با مقوله مسکن غریبه است**

با این شیوه تحلیل، وضعیت فعلی و آتی حوزه مسکن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از سال ۹۲ تا ۹۴ ما پایین‌ترین میزان تولید مسکن را داشته‌ایم. امسال ۵۰ درصد کمتر از سال پیش و سال پیش هم ۵۰ درصد نسبت به سال قبل از آن، تولید کاهش پیدا کرده است. ما سالانه ۷۵۰ هزار ثبت ازدواج داریم. ۶۰ هزار مورد آن بابت مرگ‌ومیر سالانه کم می‌شود و نزدیک به ۶۹۰ هزار مورد باقی می‌ماند درحالی‌که نصف این میزان هم تولید نداشته‌ایم. از دیگر سو معتقدند طبق آمار، ۲۱ میلیون مسکن داریم. مگر اینها مستهلک نمی‌شود. ضریب استهلاک اینها ایجاب می‌کند سالانه ۴۰۰ هزار واحد مسکونی احداث شود. یعنی از آمار ازدواج و افزایش خانوار که بگذریم، سالانه اگر ۴۰۰ هزار واحد مسکونی تولید شود، تازه وضعیت فعلی حفظ می‌شود. این روش برخورد با مسکن درست نیست. مسکن یک کالای حیاتی است. کالای فرهنگی نیست که جامعه بتواند از آن استفاده نکند. فشار هر تقاضای بی‌پاسخ برای سال‌های آینده ذخیره می‌شود. در شرایط فعلی تولید سالانه مسکن به کمتر از ۳۰۰، ۴۰۰ هزار واحد رسیده است.

در شرایطی که مسکن به تعداد نیست، این تقاضای پاسخ‌داده‌نشده کجا می‌رود؟

یکی از تبعات این است که حاشیه‌نشینی افزایش پیدا می‌کند و اگر رسیدگی نشود، در دو، سه سال آینده اتفاقی می‌افتد که قابل جمع‌کردن نیست. چندی‌پیش آماری دیدم که نشان می‌داد حاشیه‌نشینی در حال افزایش است و به حدود پنج درصد رسیده است. گرچه محاسبات من بالای شش درصد را نشان می‌دهد، اما اینکه پنج درصد یک شهر حاشیه‌نشین می‌شود یعنی چه؟ این همان خطری بود که ۱۵ سال قبل گفتیم. توسعه حاشیه‌نشینی بسیار خطرناک است. حاشیه‌نشینی نظام ندارد، کنترل ندارد. نمی‌توان نظام اجتماعی و فرهنگی را در آن اجرا کرد. هنجارهای اجتماعی در آن نهادینه نمی‌شود. این مسئله علاوه بر اینکه هزینه‌بردار است، موجب جرم‌خیزی و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌شود.

خوب چه باید کرد؟ گفتید همه اقشار سرمایه خودشان را وارد این بخش کرده‌اند، تقاضا زیاد است و قیمت هم در روند صعودی جولان می‌دهد، آیا توانی هست که از آن استفاده نشده باشد؟

ما در ایران با جمعیتی ۸۰ میلیون نفری، که بخش عمده آن نیز جوان و در شرف تشکیل خانوار است، نیازمند تولید سالانه یک‌ونیم میلیون واحد مسکونی هستیم و این یعنی گردش مالی ۷۰۰، ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی، به اندازه کل نقدینگی کشور. تولید سالانه یک میلیون مسکن هم با بودجه کم و نقدینگی پایین اقشار جامعه ممکن نیست. بخش مسکن، با تفکر اقتصاد کلان ما درگیر است. مسکن مقوله‌ای نیست که اگر دولت درآمد نداشته باشد و تولید نشود، مردم هم از آن استفاده نکنند. وقتی به بیش از یک میلیون واحد مسکونی در سال نیاز است باید در کل اقتصاد بازنگری شود. تیم‌های اقتصادی دولت‌ها نسبت به مقوله مسکن ضعیف هستند و اطلاعات لازم را ندارند. اصلا بخشی با عنوان اقتصاد مسکن در وزارت اقتصاد و دارایی نیست. بانک مرکزی به‌شدت با مقوله مسکن غریبه است. اینها با مسکن که یکی از اصلی‌ترین اجزای شاکله اقتصاد کشور و یکی از دو قطب اصلی آن است، غریبه هستند. در کشور ما اقتصاد کاملا دولتی است. دولت چند کالای بسیار ارزنده مانند نفت، گاز، طلا و معادن را در دست گرفته و بخش خصوصی نیز به ساختمان پناه آورده و سرمایه خود را وارد این بخش کرده است. بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی نیز، خود را متولی درآمدهای ناشی از منابعی می‌دانند که در اختیار دولت است. در همه جای دنیا عکس این قضیه اتفاق می‌افتد. اگر کشوری منابع دارد بخش خصوصی در آن فعال است و دولت در بخش ساختمان و خدمات عمومی کمک می‌کند. نفت و گاز و معادن را بدهند به بخش خصوصی، تا یک بخش خصوصی قوی و توانمند داشته باشیم و پس از آن نیز، دولت سیاست‌گذاری کند، نه تولید. دولت در نفت و معادن محدود شده و یک بخش خصوصی ضعیف و ناتوان هم داریم که در رکود کلا تعطیل می‌شود و حتی ساختمان هم نمی‌تواند تولیدکند.

ادامه در صفحه ۵

سهم‌ها به کف قیمتی خود نزدیک می‌شوند

شرق: بازار بورس بی‌تحرک است و مانند روزهای گذشته، فقط قدم‌هایش را پس و پیش می‌کند. در جریان معاملات روز پایانی مردادماه در بازار سرمایه، شاخص بورس شش واحد رشد کرد و به ۶۵هزارو ۲۲۵ واحد رسید. محسن قادری، تحلیلگر بازار سرمایه، در این رابطه به «شرق» گفت: شاخص بورس اوراق بهادار تهران دیروز هم درجا زد و بی هیچ خبری به رفتارهای هر روزه خود پرداخت. اکثر سهم‌های بزرگ بازار نیز تغییر خاصی را شاهد نبودند و در این بین فقط نماد ایران‌خودرو منفی شد. قادری افزود: به نظر می‌رسد قیمت سهم‌ها در بازار به کف قیمتی خود در خردادماه برسند که در این صورت تلاطمی را در بازار شاهد خواهیم بود که این روند نیز چهار تا هفت روز ادامه‌دار است و در اینجا محدوده خوبی برای خرید سهام خواهد بود. به گفته وی، بازار بورس این روزها بسیار تحت‌تاثیر کاهش قیمت جهانی نفت قرار دارد و این امر سبب شده دولت نیز به فکر دریافت مالیات بیشتر برای جبران کمبود نقدینگی خود بیفتد. این موضوع موجب خواهد شد بازار بی‌نام ارز و طلا نیز تلاطمی مثبت را در این روزها تجربه کنند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۵۲۲۵	۶,۷۲
شاخص قیمت	۲۵۸۴۹,۷	۲,۶۹
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۹۹۱,۵	۶,۹۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۵۴۵,۹	۵,۹۰
آزاد شناور	۷۳۵۱۱,۲	-۷۷,۴۲
۵۰ شرکت بزرگ	۲۶۷۵,۲	۰,۵

جهش ناگهانی سکه

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۶۵	-
یورو	۳۸۲۰	⇧
پوند	۵۲۶۵	-
درهم	۹۱۸	⇧

طلاو سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۳۴۰۰۰	⇧
طرح قدیم	۸۳۰۰۰۰	⇧
نیم	۴۸۰۰۰۰	⇧
ربع	۲۷۰۰۰۰	⇩
گرمی	۱۶۳۰۰۰	⇧
گرم ۱۸ عیار	۹۵۵۰۰	⇧
اونس * (دلار)	۱۱۶۰	⇧

شرق: اونس جهانی طلا با هیجان خود را به هزارو ۱۶۰ دلار رساند و بعد به تعطیلات پایان هفته رفت. روز پنجشنبه گذشته هر اونس طلا در آخر وقت معاملات هزارو ۱۵۳ دلار معامله می‌شد. روز جمعه اما طلا تحرک چندانی نداشت و در بعدازظهر به وقت تهران خود را به هزارو ۱۵۷ دلار رساند. افزایش قیمت اونس جهانی طلا موجب جهش قیمت در بازارهای طلای داخلی شد. در اولین گام قیمت سکه طرح جدید به ۹۰۰ هزار تومان نزدیک شد و در قدم دوم بر ۹۱۲ هزار تومان ایستاد و دیروز با یک گام بزرگ‌تر خود را به ۹۳۴ هزار تومان رساند. به‌این‌ترتیب حباب مثبت سکه به ۱۶ هزار تومان رسید. جدیدترین نظرسنجی کیتکو از کارشناسان اقتصادی و فعالان بازارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که قیمت جهانی طلا طی هفته آینده با افزایش بیشتری روبه‌رو خواهد شد. در این نظرسنجی از خوانندگان بیش از ۳۰۴ نفر شرکت کرده‌اند که از این تعداد ۱۹۳ نفر معادل ۶۳درصد پیش‌بینی کردند که قیمت جهانی طلا در هفته آینده افزایش خواهد یافت. ۷۴ نفر معادل ۲۴ درصد نیز پیش‌بینی کردند که قیمت طلا در روزهای آینده کاهش خواهد یافت و ۳۷ نفر معادل ۱۲ درصد نیز پیش‌بینی کردند که قیمت طلا در این مدت تغییر چندانی نخواهد داشت. هفته گذشته نیز در نظرسنجی کیتکونیوز بیش از ۵۸درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی آنلاین به افزایش قیمت طلا رأی داده بودند. دلار اما روز آرامی را داشت و در بازهی مثل روز پنجشنبه حرکت کرد. نوسان قیمتی هر دلار آمریکا سه‌هزارو ۳۶۰ تا سه‌هزارو ۳۶۵ تومان بود.

گزارش روز

قیمت نفت ایران نیز بی‌نصیب نماند

ورود نفت خام آمریکا به کانال ۳۰ دلاری

شرق: قیمت نفت خام آمریکا به‌طور غیرمنتظره‌ای به کمترین قیمت خود پس از بحران مالی سال ۲۰۰۹ رسید. به گزارش خبرگزاری‌ها، قیمت نفت خام آمریکا برای نخستین بار از بحران مالی سال ۲۰۰۹ تاکنون، در پایان معاملات روز جمعه به کمتر از ۴۰ دلار در هر بشکه رسید و نسبت به روز پیش از آن بیش از دو درصد کاهش یافت. خبرگزاری رویترز اعلام کرد: مازاد عرضه نفت و آمار ضعیف تولید کارخانه‌ای چین موجب کاهش بیشتر قیمت نفت در روز گذشته شد و طولانی‌ترین دوره کاهش قیمت هفتگی نفت در سه دهه اخیر را رقم زد. پس از آنکه آمار نشان داد هفته گذشته به تعداد دکل‌های فعال حفاری شرکت‌های نفتی آمریکا دو واحد اضافه شده است، قیمت نفت خام این کشور کاهش یافت و در آستانه ۴۰ دلار در هر بشکه قرار گرفت. قیمت نفت خام آمریکا پس از آنکه با رسیدن به سطح ۳۹دلار و ۸۶ سنت در هر بشکه، کف قیمت ۶.۵ ساله را تجربه کرد، در پایان معاملات بازار نایمکس نیویورک با ۲.۱ درصد کاهش، به سطح ۴۰.۴۵ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت برنت دریای شمال نیز در پایان معاملات روز جمعه بازار لندن، ۲.۵ درصد کاهش یافت و به ۴۵.۴۶ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت برنت به حداقل ۴۵.۰۷ دلار در هر بشکه نیز رسیده و در معرض کاهش به سطح ۴۵ دلار در هر بشکه نیز قرار دارد که کف قیمت آن از مارس ۲۰۰۹ تاکنون است.

از سویی با بروز بحران مالی جهانی و سقوط بورس‌های عمده جهان، قیمت نفت از سال ۲۰۰۸ به‌طور چشمگیری سقوط کرد و در سال ۲۰۰۹ به نزدیکی ۴۰ دلار رسید، اما قیمت‌ها به‌مرور بالا رفت و در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ عمدتا در نزدیکی صددلار در نوسان بود. در زمستان سال گذشته میلادی قیمت نفت خام در بازارهای جهانی دوباره پایین آمد و از بالاتر از صددلار به زیر ۵۰ دلار برای هر بشکه رسید. افزایش تولید نفت آمریکا و پایین‌آوردن قیمت‌ها از طرف عربستان‌سعودی، به منظور حفظ بازار، دلیل این سقوط عنوان شد. با وجود اینکه ماه‌های آغازین سال جاری میلادی قیمت جهانی نفت عمدتا صعودی بود، روند عمومی قیمت‌ها در سه ماه اخیر عمدتا نزولی بوده است.

این کاهش قیمت نفت ایران را نیز بی‌نصیب نگذاشت، به‌طوری‌که قیمت نفت صادراتی ایران بشکه‌ای کمتر از ۵۰ دلار در بازار معامله می‌شود و به گفته وزارت نفت، کاهش شش دلاری در هر بشکه را در طول ۲۱ روز گذشته تجربه می‌کند. به گزارش مهر، سقوط قیمت جهانی نفت خام در بازار ادامه دارد و درحالی‌که هنوز پای یک میلیون بشکه طلای سیاه صادراتی ایران به بازار نرسیده قیمت نفت رکورد بیشترین میزان کاهش در طول چند سال اخیر را تجربه می‌کند. اداره امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت، با انتشار گزارش کوتاهی، اعلام کرد: قیمت نفت سبک ایران در هفته منتهی به ۱۴ماه آگوست ۳۶ سنت کاهش یافت و به ۴۹ دلار و ۱۱ سنت در هر بشکه رسید، درحالی‌که میانگین قیمت نفت سبک ایران از ابتدای امسال تاکنون ۵۵ دلار و ۲۱ سنت بوده است. همچنین قیمت نفت سنگین ایران نیز به ۴۸ دلار و پنج سنت رسید که نسبت به هفته گذشته ۲۸ سنت در هر بشکه کاهش یافت؛ میانگین قیمت نفت سنگین ایران از ابتدای امسال تاکنون ۵۳ دلار و ۲۵ سنت بوده ضمن آنکه قیمت نفت ایران در سه هفته اخیر بیش از شش دلار کاهش پیدا کرده است. علاوه بر این، قیمت سبد نفتی اوپک نیز در هفته مورد بررسی با ۴۵ سنت کاهش به ۴۷ دلار و ۶۵ سنت برای هر بشکه رسید. میانگین قیمت سبد نفتی اوپک از ابتدای امسال تاکنون ۵۴ دلار و ۵۱ سنت در هر بشکه بوده است. با وجود این،خبری از کاهش تولید در اوپک وجود ندارد. به گزارش رویترز، اوپک نگران افت بیشتر قیمت نفت است، اما از کاهش تولید خبری نیست. این خبرگزاری به نقل از نمایندگان اوپک، اعلام کرد: برخی کشورهای خلیج‌فارس عضو اوپک نگران تداوم کاهش قیمت نفت هستند، اما احتمال اینکه آنها بتوانند موجب تغییر سیاست این سازمان مبنی بر دفاع از سهم بازار شوند، کم است. پس از آنکه قیمت نفت برنت در ماه جولای ۱۸ درصد کاهش یافت، در ماه آگوست به تقریبا ۴۶ دلار در هر بشکه رسید که نزدیک کف قیمت در سال ۲۰۱۵ است. نمایندگان اوپک ازجمله نمایندگان کشورهای خلیج‌فارس عضو این سازمان که خواستند نامشان برده نشود، گفتند: با وجود این، چین همچنان نفت می‌خرد و ذخیره می‌کند و انتظار می‌رود با رشد شدید تقاضای جهانی نفت، قیمت‌های سال آینده به سطح ۶۰ دلار در هر بشکه بازگردند. نماینده یک کشور خلیج‌فارسی عضو اوپک، گفت: سلامت اقتصاد چین مورد تردید است، اما همان‌گونه که اعداد و ارقام نشان می‌دهند، نیاز آن به واردات نفت در حال افزایش است. وی با اشاره به اینکه گمان نمی‌برد اوپک در زمان حاضر به دلیل شفاف‌نبودن بازار، اقدامی در راستای جلوگیری از کاهش قیمت‌های نفت انجام دهد، افزود: قیمت‌های نفت همچنان در نوسان خواهند بود، اما بعدا افزایش پیدا خواهند کرد.

سازمان آگهی های روزنامه شرق بازاریاب مطبوعاتی با حقوق ثابت و پورسانت استخدام می نماید .

رزومه خود را به نشانی sharghagahi@chmail.ir ارسال نمایید .